



بیمانه ۲۲۰ نفر از نمایندگان در حمایت از اقدامات رئیس دستگاه قضا

تقدیر از اصلاحات اژدهای

سختگوی دولت با اشاره به هزینه کرد منابع آزادشده:

بدهی‌های دولت قبل را صاف می‌کنیم

صفحه ۲

بایسته‌ها و ملاحظات اجرای سیاست اصلاح ارز ترجیحی؛ باید درباره وضعیت فعلی تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی تصمیم قاطع گرفت

بلا تکلیفی ارز ترجیحی

صفحه ۵



در پی وقوع ۳ انفجار تروریستی در مدارس کابل ۲۷ دانش آموز شهید و ده‌ها تن زخمی شدند

بچه‌های سرزمین غم

تیتراهای امروز

سرلشکر سلامی در دیدار با امیر سرلشکر موسوی: دشمن از وحدت بین ارتش و سپاه مصعبانی است

دشمن مصعبانی باش



صفحه ۲

در پی هشدارها نسبت به آوج گیری کرونا در ماه‌های آینده، تکمیل واکسیناسیون ضروری است

تزیق دوز سوم بدون معطلی!

صفحه ۴

سنگ اندازی‌ها ادامه دارد: آمریکا لغو تحریم‌ها را به حل مسائل فرابرجامی توسط ایران مشروط کرد

زیر و روکشی واشنگتن

صفحه ۲

چرا سلبریتی‌ها به هر قیمتی خود را جلوی چشم می‌اندازند؟!

مصرف زمان ابزار نامیرایی سلبریتی‌ها

صفحه ۸

نگاه

صدای آمریکارا می‌شنوید!

یونس مولایی: «تنها راه بازگشت سپاه به پادگان‌ها این است که در لیست تحریم‌ها باقی بماند. چیزی که از سپاه تصییب جامعه ایران می‌شود، منفی است و باید جایی متوقف شود. فکر نمی‌کنم خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی، به نفع جامعه ایران و منافع ملی باشد.» اگر تا اینجا تصور کردید که با سخنان یکی از سلطنت‌طلب‌های پیر و خارج‌نشین، اعضای فرقه بدنام منافقین یا نهائیا یکی از کارشناسان کراوات زده فعال در شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای مواجه شده‌اید سخت در اشتباهید! این بخشی از اظهارات ضدملی و وقیح فائزه هاشمی در یکی از برنامه‌های مجازی در شب‌های اخیر است.

سابقه آقا زاده جنجالی مرحوم رفسنجانی چه در قتل و چه در عمل سرشار از چنین رفتارهایی است. به همین خاطر اظهارات اخیر وی در همصدایی کامل با جریان‌های ضدانقلاب را که اویزان دولت‌های غربی (و جدیداً عربی) به دنبال پابرجایی تحریم‌ها و حتی تشویق به حمله نظامی به کشورمان هستند، نمی‌توان چندان بی‌سابقه خواند. چنانکه این عضو حزب کارگزاران سازندگی سال ۹۹ نیز با طرح این ادعا که پیروزی ترامپ باعث پابرجایی تحریم‌ها علیه کشورمان می‌شود، از شکست این اسطوره دناات که دستش به خون یکی از راستین‌ترین فرزندان ایران لوده است ناراحت شده بود. در سوره انعام (آیه ۱۵۱) دارد: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ فَرِحْتُمْ بِهَا وَأَسْفَلْتُمْ عَلَيْهَا إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيظًا أَمْ يَرْمِيكُمْ بِنُكْحَانِي إِنَّكُمْ كُنْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ مُبْصِرِينَ»

تفسیر از امیرمؤمنان (ع) روایت می‌کند ۴ چیز است که اگر هر یک وارد خانهای شود، نابود می‌شود: خیانت و دزدی و شرب خمر و زنا. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَثَلًا فَجَدُّ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصَرِفًا» (۳۲) آدم بی‌گناهی که خدا جاننش را محترم می‌داند، نکشید؛ مگر اینکه شرعاً حقتش باشد. به خانواده هر که ناحق کشته شود، اجازه قصاص داده‌ایم. البته آنها نباید در اجرای قصاص زیاده‌روی کنند، چون انقدر که باید، حق‌شان رعایت شده است. قتل به غیر حق حتی یک نفر، در سوره مائده معادل کشتن تمام انسان‌ها دانسته شده: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا الْمَائِدَةُ: ۳۲. چرا؟ چون کسی که توانسته یک نفر را عمداً بکشد، بقیه را هم می‌تواند بکشد. حق قصاص هم پیش‌گیرنده از قتل است و هم اگر قتل رخ دهد، جلوی اسراف در قتل را می‌گیرد. اسراف در قتل، چنین است که به جای یک نفر، چند نفر از طایفه قاتل را به خونخواهی مقتول می‌کشند یا به نزدیکی قاتل آسیب می‌رسانند، تنها به صرف انتساب با وی یا قاتل را مثله می‌کردند. با توجه به عبارت «فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا» و

یادداشت

دکتر مصطفی نیک‌اقبال:

«إملاق» فقر معنا نمی‌دهد، بلکه خواری و تباهی معنا می‌دهد، فقر از چیزهایی است که موجب خواری می‌شود. امروز دلیل سقط جنین بیشتر ناتوانی روحی و روانی از بزرگ کردن بچه است نه فقط فقر. این آیه اِمْلَاق و ترسیدن از آن را امری موهوم می‌داند که با تذکر به روزی‌رسانی و کارسازی خدا باید از آن فاصله گرفت. از عبارت «تَحْنُ نَزْفَهُمْ وَإِيَّاكُمْ» معنای لطیفی می‌توان استخراج کرد، اینکه رزق و روزی انسان در سایه رزق و روزی فرزند او است. یعنی انسان سر سفره فرزندان نشسته. برای همین است که اولاددار شدن معمولاً روزی را زیاد می‌کند. البته این آیه، مشابهی هم در سوره انعام (آیه ۱۵۱) دارد: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ تَحْنُ نَزْفَهُمْ وَإِيَّاكُمْ» اولاددار را به خاطر فقر و ذلت نکشید که ما آنها و شما را روزی می‌دهیم. در این آیه برعکس، فرزند را سر سفره والدین نشاند که این هم مطلب حقی است. اصولاً رابطه والد با ولد، در سببیت رزق، دو طرفه است و در بعضی از رزق، فرزند به خاطر والدین روزی می‌خورد، مثل آیه «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَكْمَالَهُمَا» و در بعضی از رزق به عکس است، شاهدش این آیه است: «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَنْفِظُ لَكَ رُبِّي إِنَّهُ كَانَ يَفِي حَفِيظًا أَمْ يَرْمِيكُمْ بِنُكْحَانِي إِنَّكُمْ كُنْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ مُبْصِرِينَ» که پدر ابراهیم ناخواسته پای سفره استغفار فرزندش روزی می‌خورد و مهلت می‌یافت. تفاوت دیگری در این آیه هست: در یکی صحبت از املاق شده و در دیگری از خشیه‌الاملاق. «املاق» فقر و خواری بالفعل است و «خشیه‌الاملاق» بیم و ترس از املاق آینده. جمع این آیه این می‌شود که نه به خاطر فقر و ذلتی که اکنون دست به گریبان آید، کار نادرستی بکنید؛ نه از ترس فقر و ذلت در آینده، بلکه کار نادرستی نکنید و والد خوبی برای بچه‌های خود باشید. جلد نود و ششم بحارالانوار از امام صادق (ع) روایت می‌کند حاجی هرگز دچار «املاق» نمی‌شود. پرسیدند: املاق دیگر چیست؟ فرمودند: مگر قرآن را نمی‌خوانید؟! املاق، افلاس است، یعنی بیچارگی محض.

تفسیری بر نظام‌نامه اخلاقی سوره اسرا / ۳ حرمت زندگی

گذاشتن پیش عبارت «لِلَّهِ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» البقره: ۲۵۷ می‌توان فهمید قاتل مؤمن مستقیماً با خدا و رسول خدا (ص) طرف است و باید منتظر انتقام سختی باشد. در نهج‌البلاغه، امیرمؤمنان (ع) به مالک می‌نویسد: خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست می‌کند و بنیاد آن را ریشه‌کن کرده و به دیگری منتقل می‌کند، لذا اگر خونی ریخته شد، لااقل سریعاً دیده آن را به خانواده مقتول پرداخت کن. وقعه‌الصقین روایت می‌کند علی (ع) در شب دوازدهم رجب وارد کوفه شد و حکومت آنجا را به دست گرفت. برخی شیوخ خدمتش رسیدند، مالک اشتر خیرخواهی کرد و گفت: یا علی! اندکی ستم برای استحکام پایه‌های حکومت لازم است. امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «بیهات ای مالک! علی طبق کتاب خدا حکومت می‌کند که فرموده یک نفر را برای قتل یک نفر بکشید نه بیشتر. سپس آیه شریفه بالا را تلاوت فرمودند. آمده و این نشان از بزرگی بسیار این گناه دارد. جلد هفتمادوششم بحارالانوار از امام رضا (ع) روایت می‌کند زنا حرام شده، چون فساد بسیار به بار می‌آورد، از جمله سقط جنین، انتساب نادرست بچه به دیگری، ترک تربیت ولدان، تباهی میراث و...»

سپهر و آدم در این زمینه بد طولایی در توجیه دارد، لذا فرموده حتی نزدیک این قضیه نشود و احتیاط کنید که وزر و وبال دارد و خیلی‌ها نابود شده‌اند. آیه ۱۰ سوره نساء می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» یعنی خوردن مال یتیم، آتش خوردن است. از این آیه دانسته می‌شود که به بعضی چیزها تا می‌شود نباید نزدیک شد و باید نسبت به آنها محتاط بود. قضاوت و حق‌الناس از جمله این امورند. سوال: اگر صلاح یتیم در گردش مالش بود، نه نزدیک شدن به آن مال، آن وقت چه باید کرد؟ باید مالش را در دست گرفت و به کار انداخت؟ از این آیه بر خلاف ادعای برخی مفسران، وجوب یا استحباب چنین امری نتیجه گرفته نمی‌شود و در صورت اتلاف مال بعید است بشود بد را بد امانی دانست. یعنی متلف ضامن است.

جدل نوزدهم وسائل روایت می‌کند از امام صادق (ع) پرسیدند: حد رشد در این آیه چیست؟ فرمودند: بلوغ. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (۲۴) به عهدهای خود وفا کنید که دربارہ عمل به عهدهای‌تان باید جوابگو باشید. مقصود از عهد، هم قرار دادهای کتبی است، هم قول و قرار شفاهی که دیگران رویش حساب کرده‌اند حتی

وعدہ، می‌تواند نوعی عهد محسوب شود، بویژه اگر طرف بر مبنایش متحمل زحمتی شده باشد و آمیدی بسته باشد. آیه ۲ سوره صف می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟ چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲) این پیش‌خدا خیلی بزرگ است و خشم خدا را به جوش می‌آورد. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِذًا كُنْتُمْ وَرَثًا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (۲۵) وقتی می‌خواهید چیزی به مردم بفروشید، درست بکشید و با ترازوی دقیق وزن کنید؛ این کار به سود شماست و بهترین برگشت را به شما دارد.

اجناس یا بر مبنای وزن (حجم) خرید و فروش می‌شوند، یا بر مبنای وزن (جرم)، یا بر مبنای تعداد کم‌فروشی آن است که به جای یک لیتر شیر، یا یک کیلو گوشت، یا صد عدد گردو، کمتر از آن را به مشتری بدهیم ولی چنین وانمود کنیم که یک لیتر یا یک کیلو یا صد عدد تحویلش داده‌ایم. چطور چنین چیزی ممکن است؟ با دستکاری در کیل یا ترازو یا شمارش یا درج اشتباه وزن و حجم بر روی بسته‌بندی محصول. البته امروز تقلب‌های دیگر هم ممکن است؛ مثل تغییر تاریخ انقضای محصول یا کم‌کردن کیفیت محصول یا جایگزینی محتویات درجه یک با درجه ۲ مثلاً چربی شیر را گرفتن و چربی نباتی اضافه کردن و... البته کم‌فروشی فقط منحصر به اجناس نبوده و در خدمات هم صادق است، مثلاً طبیبی که به بیمارارش درست رسیدگی نکند یا مهندسی که برای نظارتش کم بگذارد هم از مظفین یا کم‌فروشانند.

عبارت «ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» نشان می‌دهد این کار، کار درست است و سرانجام، بر کائنات به انسان بازمی‌گردد. تأویل بازگشت معنا می‌دهد. البقین از امام صادق (ع) روایت می‌کند همان‌طور که هر چیزی را ترازویی است، امام هم ترازوی دین است. پس نه از امام پیش بیفتید نه پس بمانید! «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (۲۴)

دنبال آنچه نمی‌دانی، راه نیفت، زیرا درباره گوش و چشم و دل که راه‌های دانستنند، انسان باید جوابگو باشد یعنی هر چه را که به‌درستی یقین نداری، وانه و بی‌اش مرو و از آن تبعیت مکن. فقط، راهی را که یقین داری درست است برو و کاری را که صد در صد خدایی می‌دانی بکن و روی چیزی وقت و ذهن بگذار که می‌دانی قطعاً مرضی خداست، چون فردای قیامت، بلکه فردای دنیا، باید نسبت به هر چه دیده‌ای یا شنیده‌ای یا دل

داده‌ای و وقت گذاشته‌ای، جوابگو باشی. از نکات جالب و خوفناک این آیه، مسؤول دانستن دل است. یعنی اینطور نیست که ما به هر چه دل‌مان می‌خواهد، مجاز باشیم فکر کنیم.

این آیه، به زعم حقیر، از حکیمانه‌ترین آیات قرآن است و عمل به مقتضایش، مسیر زندگی انسان را عوض می‌کند. کافی روایت می‌کند که کسی به امام صادق (ع) عرض کرد: در مستراح طول می‌دهم تا صدای کنیزان آوازده‌خوان همسایه را بشنوم. امام فرمودند: کار بدی می‌کنی. پرسید: طبق کجای قرآن؟ امام (ع) فرمودند: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» تفسیر قمی از امام باقر (ع) روایت می‌کند یک معنای «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» این است که هرگز کسی را به چیزی که یقین نداری متهم مکن.

مکارم‌الاخلاق از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که ای پسر مسعود! هرگز مگو چیز آنچه را که خودت شنیده و دیده‌ای. مگر بخوانده‌ای: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّكَ لَنْ تُخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجَنَّتِالَ طَوْلًا» (۳۷)

با سرمستی روی زمین راه نرو. هر چقدر قوی باشی، زمین را که نمی‌توانی با قدم‌هایت بشکافی! هر چقدر هم بزرگ باشی، قدت به کوه‌ها که نمی‌رسد! راجع به «مرح» آیه زیر کارگشایست: «ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْشُونَ» (غافر: ۷۵) یعنی آنها را در آب داغ و سپس آتش دراندازید، چون در زمین به ناحق فرح می‌کردند و فرح، ایشان را به مرح کشاند. «مرح» مستی و فساد ناشی از فرح است. فرح که امتداد پیدا کند و تعمیق شود، انسان را به مرح می‌کشاند. در حال فرح، انسان خودخواه است و در حال مرح این خودخواهی به خودپرستی و انکار عملی خدا می‌رسد.

حالت مقابل مرح، تواضع همراه با ذکر مدام و خود را دائم در حضور خدا دیدن است. کسی که ذاکر و حاضر نباشد، مست خویش است و سرمست دنیا. در روایات است که امام حسن مجتبی (ع) با آنکه ثروت بسیار داشته و از بهترین مرکب‌ها بهره‌مند بوده‌اند، سفر حج را با پای پیاده می‌رفته و می‌فرموده‌اند: تا در برابر پروردگرم تواضع کنم. فقیه از امیرمؤمنان (ع) روایت می‌کند که «مرح» در

این آیه یعنی هر راهی که رضای خدا نیست. «كُلُّ ذَلِكِ كَانَ سُنْبُتَهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا» (۳۸) ذَلِكُ مِمَّا أُوتِيَ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنْ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا مَعًا فَتُنْفِيَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (۳۹) همه این کارها، گناهش، در نظر خدا ناپسند است. این سفارش‌ها از جمله حکمت‌هایی است که خدا به تو وحی کرده. پس در کنار خدا، معبود دیگری را نپرست؛ اگر نه با خفت‌خواری به جهنم انداخته می‌شوی.